

جهان اسلام، پتانسیل‌های موجود و چالش‌های پیش رو^(۱)

گرفتند. به همین جهت در غرب تصور پایان تاریخ (End of History) تقویت شده است. فوکویاما، نظریه پرداز امریکایی، پیرامون این موضوع کتاب نوشته و اعلام داشته است: «اکنون غرب و تمدن آن بر عالم انسانی برتری یافته است و ملت یا تمدنی دیگر نمی تواند غرب را مغلوب نماید. چرخ تاریخ فعلاً متوقف شده است».

اما بدبختی انسانهای عصر حاضر و آینده این است که تمدن غرب اگر چه در خصوص پیشرفت مادی به اوج خود رسیده است اما در خصوص معنویت دستش تهی است. غلبه تمدن غرب که تهی از معنویت و روحانیت، برای بشریت بطور عام و برای مسلمانان بطور خاص، واقعیت انکارناپذیر خطرناکی است. تأثیر منفی آن بر افکار، اعمال و ارزش‌های اخلاقی مسلمانان سخن همگانی است. نظام خانواده مسلمان جزء لاینفک جامعه اسلامی و قابل افتخار است اما چون تحت تأثیر ارزش‌های غرب قرار دارد به سادگی آثار شکست را در آن می توان احساس کرد. طبقه روشنفکر ملت مسلمان مسئولیت دارد تا این وضعیت را به موقع درک کرده و مسلمانان را به سوی جلوگیری از این خطر بزرگ راهنمایی کند. باید روشن ساخت که برای این کار نیاز به یک دستورالعمل جامع اجتماعی است که در این خصوص تلاش‌های کشورهای اسلامی لازم و مفید خواهد بود.

جهان اسلام در تمام عرصه‌های زندگی رو به زوال است اما به نظر من سخن نگران کننده این است که در هیچ کشور اسلامی برای حل مشکلاتی که پیش آمده است در استفاده از عقلانیت جمعی (Collective Wisdom) روش منظمی وجود ندارد. به نظر من نیاز شدید است که برای تحلیل مشکلات

نخست از مسئولین برگزاری این کنفرانس تشکر می کنم که مرا دعوت کردند تا در این کنفرانس شرکت کنم و زمینه تبادل نظر با علما و اندیشمندان ملت اسلامی را فراهم ساختند. امت اسلامی در حال حاضر با رنجها و مصائب سختی مواجه است. عقب ماندگی کشورهای اسلامی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و علمی بر کسی پوشیده نیست. اوضاع سیاسی داخلی این کشورها نیز افتخار آمیز نیست. روابط میان کشورهای اسلامی در نوع خود و با چالش‌های عصر حاضر هم آهنگ نمی باشد. در عرصه فن آوری جدید خیلی عقب مانده و از صنایع پیشرفته بنیادین نیز محروم اند. به علت ضعف‌های این کشورها استقلال آنها شدیداً با خطر مواجه است، زیرا آنها در کسب نیازهای روزمره زندگی نیز محتاج کشورهای پیشرفته هستند.

این ضعف‌های ما زمانی بیشتر نگران کننده می شود که مشاهده می کنیم خداوند دنیای اسلام را از منابع و امکانات طبیعی به مقدار کافی بهره مند ساخته است. نفت، گاز، اورانیوم، مس، آهن، طلا و دیگر معادن در این کشورها فراوان است.

الحمدلله نیروی انسانی نیز کم نیست. افراد زیادی داریم که صاحب مهارت‌های گوناگون هستند. خداوند به ما امکان استفاده از چهار فصل سال را عنایت فرموده است و در خصوص کشاورزی کسی نمی تواند با توانمندی‌هایی جهان اسلام رقابت کند، اما جای تأسف است که با وجود این همه لطف و موهبت خداوند، کاملاً از این قابلیت‌ها استفاده نشده است. کنفرانس علمی امروز برای ما این فرصت را مهیا ساخت که با هم نشسته و پیرامون علل این ضعفها گفتگو و تلاش کنیم تا روش‌های نجات را دریابیم.

چند دهه اخیر قرن بیستم میلادی و آغاز قرن بیست و یکم اوج پیشرفت جهان مادی است. انسان آنقدر که در این چند دهه پیشرفت مادی داشته است در قرن‌های گذشته پیشرفت نکرده بود. در این پیشرفت اقوام غرب برتری یافتند و سبقت

۱- متن کامل سخنرانی ارائه شده در کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی در تهران.

● دبیرکل اتحادیه احزاب اسلامی پاکستان (مجلس متحده عمل)، عضو پارلمان ملی پاکستان و رهبر جمعیت علمای اسلام پاکستان.

فعلی محافل همفکری و هم اندیشی (Think Tanks) را که در آن متفکران و اندیشمندان بزرگ حضور داشته باشند، تشکیل دهیم. بلکه نیاز به مؤسساتی است که در دایره کار آن پیشنهادات و دستورالعمل‌هایی صادر شود که اوضاع و احوال کنونی و درک اوضاع احتمالی که در آینده به وقوع می‌پیوندد را شامل باشد. در دانشگاه‌های غرب چندین قرن است برای مطالعه تاریخ، آثار باستانی، افکار و نظریه‌ها، سیاست و فلسفه و اقتصاد دنیای شرق به ویژه جوامع مسلمان کار عمیق و انتقادی تحت نام شرق شناسی ادامه دارد.

برای مطالعه آسیای میانه و جنوب آسیا، خاورمیانه، خاور دور و آفریقا مؤسسات بزرگ و مراکزی تشکیل شده است که بودجه هنگفتی برای آنها اختصاص داده می‌شود قدرتهای غربی با کارهای علمی و پژوهشی اطلاعاتی درباره روشهای تسلط بر منابع طبیعی و حکومت بر مسلمانان بدست آوردند و اینگونه شرق شناسی یعنی مطالعه شرق حربه مؤثر برتری غرب است. جای تأسف است که در هیچ دانشگاهی از جهان به غرب شناسی (Occidentalism) توجهی نشده است تا درباره تاریخ، سیاست، اقتصاد و فلسفه مطالعه عمیق صورت گیرد. ضرورت دارد در دانشگاه‌های خود این سنت را طرح کنیم تا در اوضاع سخت کنونی دنیا در حالی که کره زمین دارد به صورت دهکده جهانی در می‌آید، اهداف و سیاستهای غرب را درک کنیم و آنرا در ذهن متمرکز کرده راه آینده خود را تعیین کنیم. چون در کشورهای ما چنین سنت علمی‌ای وجود ندارد، در این عرصه به صورت خیلی بد با ناهماهنگی فکری مواجهه و از تمرکز و همبستگی محروم هستیم.

جهت دیگر رسانه‌ها هستند که در آن ما مات می‌شویم. رسانه‌ها در عصر حاضر اسلحه‌ای مؤثر هستند و غرب از آن به نفع خود کاملاً استفاده می‌کند. ارزشهای غرب توسط فن آوری ماهواره‌ای و شبکه‌های تلویزیونی خصوصی و کابلی منتشر و مورد استقبال قرار می‌گیرد. سنن اسلامی و شرقی به سرعت از ذهن نسل جوان ما محو می‌شود. تولیدات شرکتهای چند ملیتی در حال حاضر زینت بخش هر

خانه است. معیار راست و دروغ و صحیح و غلط را رسانه‌ها تعیین می‌کنند که عموماً حقایق را معکوس جلوه می‌دهند.

رسانه‌های غربی در دشمنی و جبهه‌گیری فزاینده علیه مسلمانان نقش کلیدی ایفا می‌کنند، به نظر من اکنون زمان آن فرا رسیده است که مسلمانان قدرت رسانه‌ای را درک کرده در این عرصه قابلیت‌های خویش را به کار اندازند. این هم نیز کار یک کشور نیست بلکه کار مشترک مسلمانان است. من پیشنهاد می‌کنم به عنوان گام نخست، مسلمانان روشنفکر مقیم غرب وارد صحنه شوند. آنها کانال‌هایی ایجاد کنند که منعکس کننده موضع ایشان، اوضاع جهان و جایگاه مسلمانان در جهان کنونی باشد، این کانال‌ها گفتگو میان مسلمانان اندیشمند را به راه انداخته و تلاش نمایند نظر اهل علم را در خصوص این گفتگوها گسترش دهند. اگر این سلسله آغاز شود ان شاء الله با گذشت زمان بهتر خواهد شد و مردم به فایده آن پی خواهند برد.

یکی از علت‌های فاصله بین مسلمانان و غرب این است که صورت منظمی از گفتمان میان آنها وجود ندارد. پیشنهاد می‌کنم کشورهای اسلامی گروهی از دانشمندان خویش را به کشورهای غربی بفرستند تا در آنجا با اساتید دانشگاه، روزنامه‌نگاران، سیاست‌مداران و محافل هم اندیشی (Think Thank) دیدار کرده و غربیان را از زیانهای اقتصادی که از اقدامات جنگجویانه گروه بنیاد گرای غرب صورت می‌گیرد آگاه سازند که چگونه به این علت در آنجا تأثیر منفی روی زندگی عامه مردم می‌گذارند. سخن اساسی این که از آن سنن و ارزش‌های عالی غرب که غربی‌ها به آن افتخار می‌کردند و تصویر بهتری از غرب ارائه می‌کرد کاملاً تخلف ورزیده می‌شود. به طور مثال احترام به انسانیت بدون در نظر داشت رنگ و مذهب و اعتقاد، سنت گفتگو و اختلاف نظر، تلاش در حد ممکن در خصوص خودداری از قتل و خشونت و گفتگوی مستدل.

در دهه سوم ماه مارس ۲۰۰۴ فرصتی به من دست داد تا به بریتانیا سفر کنم. در آنجا به طبقات مختلف جامعه این پیام را دادم که مسلمانان به عنوان شریک

**□ به نظر من
اکنون زمان آن
فرا رسیده
است که
مسلمانان
قدرت
رسانه‌ای را
درک کرده در
این عرصه
قابلیت‌های
خویش را به
کار اندازند.**

فرو خواهید رفت که تولیدات سالانه ملی یک کشور کوچک اروپایی همچون اتریش ۲ هزار میلیارد دلار، فرانسه ۱۵ هزار میلیارد دلار، و آلمان ۲۵ هزار میلیارد دلار می باشد، در حالی که تولیدات ملی ۵۷ کشور اسلامی عضو کنفرانس اسلامی فقط ۱۲ هزار میلیارد دلار است. این امر بر کسی پوشیده نیست که در جهان امروز بدون داشتن اقتصاد قوی کسب استقلال فقط یک رویا و خواب است. در این راستا برای رسیدن به هدف خودکفایی نیاز به زحمت و پشتکار شدید است. برای تحکیم اساس اقتصاد و فن آوری عالی باید مراکز تحقیقاتی و دانشگاه های خصوصی تشکیل شود که مشکل مالی در آن وجود نداشته باشد، و ما چنین دانشگاه ها و مراکزی بسیار کم داریم. برای رسیدن به این هدف تنها یک یا دو کشور مسؤول نیستند، بلکه مجموعه جهان اسلام مسؤولیت دارد.

سخن از دانشگاه ها به میان آمد، ذکر این امر ضروری است که در خصوص صنایع و فن آوری پیشرفته دانشگاه های ما خیلی ضعیف هستند. همچنین در عرصه ادبیات، علوم اجتماعی و اسلام شناسی نیز در سطح بین المللی از ایجاد یک نمونه ای قابل افتخار قاصر بوده ایم. بلکه حقیقت این است که عموماً به این عرصه علمی اهمیت ویژه نداده ایم. این عرصه علمی به احساسات و باورهای انسان وابسته است و در آن موضوعات مهمی چون صلح، جنگ، پیشرفت، آموزش، جامعه شناسی، روان شناسی، علوم سیاسی، روابط بین الملل و اقتصاد مورد مطالعه قرار می گیرد. نیاز است جوانان جهان اسلام اطلاعات کامل در این باره داشته باشند تا حقایق جهانی معاصر را بهتر درک کرده و جایگاه و نقش خود را تعیین نمایند.

درباره مطالعه پیرامون اسلام پیشنهاد می کنم برای رشد آگاهی عمومی درباره مسلکها و برداشتهای فقهی و تعبیرهای گوناگون مسلمانان، رشته ها و بخشهای قوی علمی تشکیل شود. در حال حاضر وضعیت اینگونه است که علمای اهل سنت و اهل تشیع درباره تعبیرات تفسیری و دلایل فقهی یکدیگر آن طور که باید آگاهی ندارند. علمایی که

اقتصادی حاضر هستند برای افهام و تفهیم یکدیگر با غرب وارد مذاکره شوند؛ اما طبقه بنیادگرای غرب باید سیاست اشغال اجباری ذخایر طبیعی مسلمانان را رها کند. این کار برای بشر بهترین راه است. فن آوری عالی نزد غرب است در حالی که نفت، گاز و دیگر معادن نزد مسلمانان می باشد. اگر هر دو طرف با هم یکجا کار کنند تمام بشریت می تواند از آن یکسان استفاده کند. من به آنها گفتم اسلام مذهب دعوت است و چنین نظریه ای اساسی به کل جهان پیام دلسوزی و همدردی را می دهد نه تنفر. در اوضاع فعلی مسلمانان از غرب متنفر نیستند بلکه شکایات عمیق دارند. تجاوزی تحت نام جنگ با تروریسم تحت سرپرستی امریکا آغاز شده است که در عرصه جهانی با معیار اخلاق بشری مطابقت ندارد. قبل از چنین حملاتی ضروری بود با کار شفاف تحقیقی، مجرم شناسایی می شد. حمله کردن بدون تحقیقات و قتل کودکان، زنان و پیرمردان بی گناه در جای خودش تروریسم است. اکنون افراد سطح بالا و مؤسسات عالی امریکا اعتراف کرده اند که اطلاعات آنها درباره عراق اشتباه بوده است، در چنین وضعیتی حملات روزمره به مردم عراق آیا مجوز اخلاقی و قانونی دارد؟ اگر شما واقعاً می خواهید مسلمانان را خیر خواه خود سازید این هدف به صورت اجباری و به زور به دست نمی آید، بلکه برای این کار باید راه دوستی و همکاری را در پیش گیرید و با عمل خود ثابت کنید که اساس تصمیمهای شما بر عدل و احساسات دلسوزانه استوار است. خوشحال شدم که آنها به همه حرفهایم با علاقه و دقت توجه نمودند و موافقت خویش را با آن اعلام کردند. طبقه فهمیده غرب از سیاستهای طبقه بنیادگرای خویش سرگردان هستند و ما باید آنها را مخاطب قرار دهیم.

بدبختی جهان اسلام است که عرصه های صنعت و فن آوری پیشرفته در انحصار ژاپن و غرب است و تاکنون هیچ کشور اسلامی در این مسابقه جهانی وارد میدان نشده است. صنایع، فن آوری پیشرفته و اقتصاد با هم ارتباط عمیق دارند. با عقب ماندگی در این عرصه تولیدات ملی ما در مجموع در حد قابل تأسفی کاهش یافته است. از این مطلب به حیرت

طبقه
فهمیده غرب
از سیاستهای
طبقه
بنیادگرای
خویش
سرگردان
هستند و ما
باید آنها را
مخاطب قرار
دهیم.

به طور جامع درباره هر دو فقه آگاهی دارند انگشت شمار هستند و از نظر سنتهای علمی بزرگ هر دو معتبر می باشند. به نظر من باید همه کشورهای اسلامی در این عرصه علمی صدها عالم دین داشته باشند و این کار را نه با روشهای مناظره و مجادله بلکه با روش شفاف علمی و گفتمان انجام دهند. از این ضعفها بیشتر قدرتها استفاده سوء می کنند. برای ناکام ساختن آن روش موثری را باید در پیش گرفت. یک پیشنهاد این است که یک گروه رابط بین کارشناسان و اهل علم مسلمان تحت عنوان «مجلس التنسيق الاسلامی العالمی» داشته باشیم که برای حصول اجماع در موضوعات مهم مشغول به کار باشند.

اگر نگاهی به جهان اسلام بیاندازیم افسوس خواهیم خورد که تعداد زیادی از کشورها هستند که در آنجا امور کشور منعکس کننده خواسته ها و آرزوهای مردم نیست. مردم از حقوق اساسی اسلام و آزادی شخصی که اسلام عنایت فرموده محروم هستند. فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. قانون همه را به یک نگاه نمی نگرد. در چنین وضعیتی احساس خودشناسی و خودباوری در کشور کاهش می یابد و در نتیجه استعدادهای خلاق آنها رشد نمی کند و ضایع می شود. به نظر من این امر بزرگترین علت عقب ماندگی کشورهای اسلامی است. واضح است زمانی که استعدادهای خلاق و ابتکاری انسان رشد نکند آن ملت در جهان از سلاح مبارزه محروم می شود. در جامعه ای که برای رشد استعدادهای خلاق فضای مناسبی وجود داشته باشد با یک نهضت مردم از تمام نیرو و توان فکری و جسمی خویش کار می گیرند که برای پیشرفت ملت نیازی اساسی و مهم است. متأسفانه امروز در میان تعداد زیادی از مسلمانان سنت به کارگیری از نیروی جسمی نابود شده است و سهل انگاری و تمایل و گرایش به بیگانگان در بین آنها خیلی نمایان شده است. قرن نوزدهم و بیستم میلادی زمان عروج اقوام اروپایی و عقب افتادگی مسلمانان بود. در این قرنهای قدرتهای مختلف استعماری برای منافع اقتصادی شان سرزمینهای

اسلامی را تقسیم کردند و بالاخره در ۱۹۲۴ سلطنت عثمانی سقوط کرد و نهضت های آزادی خواهی بر ضد استعمارگرایی شکل گرفت و شخصیت های بزرگی همچون سید جمال الدین افغانی، مهدی سودانی، امام سنوسی، امام شامل، شیخ الهند مولانا محمود الحسن و حسین احمد مدنی فداکاری های بزرگی انجام دادند. به برکت سعی و تلاش آنها ظاهراً مسلمانان از حاکمان بیگانه آزادی به دست آوردند اما سفر رسیدن به آزادی حقیقی و کامل تاکنون ناتمام است زیرا مسلمانان امروز نیز در تصمیم گیری و تعیین نقشه راه خود استقلال ندارند. در این روزها لیبی، ایران و پاکستان در خصوص قضیه کسب توانایی هسته ای با اوضاع و احوال سختی مواجه اند که گویای این امر می باشد که منزل آزادی حقیقی هنوز دور است.

حوادث یازده سپتامبر در امریکا به جهان جهت دیگری بخشید. در حال حاضر جای استعمار اروپا را امریکا گرفته است. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، توازن در سیاست جهانی پایان یافته و جهان یک قطبی شده است. به علت این وضعیت سوالاتی در برابر مسلمانان مطرح شده است. برای نمونه، اکنون چگونه می توان با خطراتی که کشورهای اسلامی با آنها مواجه هستند مبارزه کرد؟ حفظ مرزهای جغرافیایی چگونه ممکن است؟ وسایل و امکانات ملی و منطقه ای را چگونه از اشغال اجباری بیگانه می توان نجات داد؟

در پرتو حوادث چند سال گذشته اکنون مسلمانان در این فکر عمیق فرو رفته اند که مبارزه با اوضاع جدید بدون اتحاد وسیع مسلمانان ممکن نیست. استفاده درست از رأی مسلمانان در شورای امنیت و سازمان ملل می تواند باعث تغییر در سیاستهای امریکا و متحدین آن شود. تشکیل قدرتهای منطقه ای کشورهای مسلمان مانند اتحادیه اروپا می تواند در جلوگیری از خودخواهی امریکا کارساز شود. به عنوان مثال کشورهای ایران، پاکستان و کشورهای هم جوار می توانند تحت یک سازمان منطقه ای شرکتهای چند ملیتی تشکیل دهند تا تجارت بین آنها گسترش یابد؛ امکانات وسیع برای اینگونه

☑ اگر نگاهی

به جهان اسلام

بیاندازیم

افسوس

خواهیم خورد

که تعداد

زیادی از

کشورها هستند

که در آنجا

امور کشور

منعکس کننده

خواسته ها و

آرزوهای مردم

نیست.

همکاریها وجود دارد. شرکتهای تجاری چند ملیتی غرب در کشورهای ما فعالیت هایشان را گسترش می دهند، با وحدت و همبستگی می توان از تأثیر افکار آنها جلوگیری کرد. این کشورها با مشارکت متقابلشان می توانند مؤسسات و دانشگاه های استاندارد تشکیل دهند. در کنار گسترش تجارت بین کشورهای اسلامی بانک مشترک کشورهای اسلامی نیز می تواند نقش موثری داشته باشد. گرچه در این زمینه تلاشی صورت گرفته اما آنرا ناکام ساختند لکن از ناکامی موقتی نباید ناامید شد و این راه را باید ادامه داد. سازمان تجارت جهانی (WTO) همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (IMF) چالشی است که تصور تأثیرات تباہ کننده اجتماعی، تجاری و اقتصادی آن مورا بردن راست می کند. متأسفانه در کشور ما درباره این دیو احساس و درکی وجود ندارد. با این کار تمرکز قدرت در کشورها پایان خواهد یافت و تصور جدید گرد شدن سرمایه غالب خواهد شد و با آن فقط و فقط به وسیله همکاری وسیع بین کشورهای اسلامی می توان مبارزه کرد.

با وجود این همه مشکلات سخن قابل اطمینان این است که در جهان، به ویژه در اروپا مردمان عاقل و منصف زیادی وجود دارند که از سیاست های جابرانه و زورگویانه خارجی آمریکا خشنود نیستند. در مورد برخوردی که با عراق صورت گرفت در غرب میلیونها تن شدیداً اعتراض کردند و از پذیرفتن منطق طبقه قدرتمند در آمریکا و بریتانیا سرباز زدند. آنها قتل عام انسانهای غیر مسلح، زنان و کودکان و سالمندان را تخلف آشکار از تعالیم حضرت عیسی علیه السلام و ارزش های غربی خواندند. نباید فرصت برقراری رابطه با این طبقه ای فهمیده غرب را از دست داد. بر اساس تفکر گفتگوی تمدنها که آقای خاتمی رئیس جمهور ایران ارائه کرده است، زمینه بحث و گفتگو در روزنامه ها و دانشگاه های غرب مهیا شده است، که بایستی از آن بهره برد.

فرقه گرایی لطمات شدیدی به مسلمانان وارد کرده است. اکنون زمان آن فرا رسیده است که افکار ما

✓ فرقه
گرایی لطمات
شدیدی به
مسلمانان وارد
کرده است.
اکنون زمان آن
فرا رسیده
است که افکار
ما بالاتر از
احساسات
فرقه ای باشد.

بالاتر از احساسات فرقه ای باشد. جای خوشحالی است که بگویم در پاکستان اتحاد سازمانها و احزاب اسلامی یعنی «مجلس متحده عمل» شامل تمام سازمانهای اهل سنت و اهل تشیع شکل گرفته است و به برکت این اتحاد درگیریهای شیعه و سنی تقریباً پایان یافته است. اگر در جایی حادثه ای رخ می دهد دلایل مختلفی دارد. سخن قابل اطمینان این است که الحمدلله تاکنون در عراق تلاش تقسیم نمودن شیعه و سنی ناکام مانده است و امیدواریم در آینده نیز چنین تلاش هایی به ناکامی بیانجامد. تاریخ یک هزار و چهارصد ساله مسلمانان پر از مصیبت ها است. در سال ۱۳۵۸ میلادی مغولها به خلافت عباسی پایان داده و خلیفه عباسی را در پوست الاغ دوخته و در کوچه های بغداد با چوب زده و شهید کردند. در سال ۱۴۹۲ مسلمانان را بی رحمانه از اسپانیا اخراج کردند. در سال ۱۸۵۷ انگلیسی ها بهادر شاه ظفر را که فقط در نام پادشاه بود دستگیر کرده و به میانمار فرستاده و خود آنها هند این پرندۀ طلایی را اشغال کردند. در سال ۱۹۲۴ به سلطنت عثمانی پایان داده شد.

در حال حاضر نیز مسلمانان از یک دوره پر از ابتلا می گذرند. اما الحمدلله درک عمومی مشکلات وجود دارد. این درک چگونه به شکل علمی انعکاس خواهد یافت، در آینده روشن خواهد شد. از تاریخ انسانی این درس را می آموزیم که ظلم و تکبر موقتاً حاکم می شود اما دوام ندارد. قرآن پاک به ما آموخته است که اما «ما ینفع الناس فیما کث فی الارض» و کسانی که باعث می شوند زمین برای انسانها مکان عذاب شود برای انسانیت مفید نخواهند بود بلکه مضر هستند و طبق فلسفه تاریخی قرآن نمی توانند بقا داشته باشند. مسلمانان باید این ارشاد قرآن حکیم درس بیاموزند. یک ضرب المثل چینی می گوید که: «فاصله هزار مایل از گام نخست آغاز می شود»، بیایید متحد شده این فاصله طولانی را هم گام بیامییم.

خداوند متعال حامی و ناصر همه ما باشد.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین».